

بررسی کتاب



جهانی شدن به مثابه یک پروژه

جلال امین، عولمه القهر: الولايات المتحدة والعرب و المسلمون
قبل و بعد احداث سبتمبر ۲۰۰۱، القاهرة، دارالشروق، ۲۰۰۲، ۱۹۰، صص.

مقدمه

واقعه ۱۱ سپتامبر اگرچه رخدادی در گستره ملی ایالات متحده آمریکا بود، اما متأثر از سیاست خارجی و بین‌المللی دولت جرج بوش، تبدیل به یک مسأله جهانی شد و کمتر کشور، جنبش یا سازمانی را می‌توان یافت که به نوعی از آن تأثیر نپذیرفته باشد. با این حال آنچه که بیش از همه در خور توجه می‌نماید، تأثیرپذیری جهان اسلام از این رخداد است. به گونه‌ای که با تعمیم تعریف تروریسم به گروه‌های اسلامی آنها مورد اتهام واقع شده و روند حوادث در ماه‌های بعد با استناد به عملکرد افراطی «طالبان» سمت و سویی مشخص یافت. هم‌اکنون این باور که کشورهای اسلامی - به ویژه آنها که در خاورمیانه قرار دارند - موضوع «سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا» قرار گرفته‌اند، از سوی تحلیلگران متعددی به نقد گذارده شده و در این میان اندیشمندان مسلمان تلاش دو‌چندانی را به انجام رسانیده‌اند تا با تبیین مبادی و مفروضات این نگرش رادیکالی، فضای حاکم بر سیاست جهان را به نفع ایدئولوژی اسلامی اصلاح کنند. دکتر جلال امین از مؤلفین و محققین پرکار مصری است که تاکنون بیش از ۱۳۰ اثر درباره مسایل جهان اسلام و بیشتر با گرایش اقتصادی به زبان‌های عربی و انگلیسی تألیف و منتشر ساخته است. نظر به اهمیت رخداد ۱۱ سپتامبر در مسأله روابط آمریکا با کشورهای عربی و مسلمان، وی این مسأله را در کتاب حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار داده است، بر این اساس کتاب در دو بخش اصلی سازمان‌دهی شده و دربردارنده مقدمه، نتیجه‌گیری و ۱۳ فصل می‌باشد.

الف. محتوای کلی کتاب

جلال امین در این کتاب از تأثیر واقعه ۱۱ سپتامبر بر فرآیند جهانی شدن سخن گفته و اینکه این تحول چه پیامدی برای کشورهای جهان اسلام دارد. وی بر این باور است که ۱۱ سپتامبر منجر

به انحراف جریان جهانی شدن و قوت یافتن عنصر «زور» در معادلات بین‌المللی شد، وی از اصطلاح تازه «جهانی شدن زور» (عولمة الزور) استفاده می‌کند که دلالت بر مشروعیت یافتن «کاربرد زور عربیان» برای سامان‌دهی به نظم بین‌المللی دارد. به گمان وی، مجموعه دستاوردهای انسان قرن بیستمی که از رهگذر تجارب تلخی چون جنگ جهانی اول و دوم حاصل آمد، او را به آنجا رهنمون شد تا به جای کاربرد زور به تأمل در خصوص راهکارهایی بیندیشد که مبتنی بر همکاری و تلاش دسته‌جمعی برای تأمین امنیت همگان باشد. حال آنکه ۱۱ سپتامبر این جریان را متوقف و وارونه ساخت؛ به گونه‌ای که اصطلاحات حساسیت برانگیزی چون «جنگ عادلانه» و یا «عملکرد یکجانبه‌گرایانه برای دفاع از خود» بار دیگر در گفتمان قدرتهای برتر ظاهر شد. این معنا را مؤلف در مقدمه کتاب به تفصیل آورده است.

مؤلف در مقدمه بین دو دیدگاه مختلف از جهانی شدن که بر آنها الگوی قدیمی و جدید نام نهاده، تفکیک قایل شده و اظهار می‌دارد که: اگر جهانی شدن را از بین رفتن (یا کاهش جدی) فاصله بین ملت‌ها تعبیر کنیم (از حیث فکری، مادی یا فرهنگی) در آن صورت می‌توان آن را پدیده‌ای قدیمی ارزیابی کرد؛ پدیده‌ای که به طور مشخص و کلاسیک در قرن بیستم مورد توجه جدی قرار گرفت. به زعم وی جهانی شدن با این معنا از همان ابتدا ترکیبی از تهدیدها و فرصت‌ها بوده و لذا طیفی از مخالفان و موافقان را به همراه داشته است.

اما واقعه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن حکایت از آن دارد که «جهانی شدن» دیگر با تصویر سنتی آن مدنظر نیست. چرا که هم مهاجمان و هم دولت آمریکا - هر دو - برای اثبات دیدگاه خود از زور استفاده کردند. فرو ریختن «برج‌های دوقلو» که نماد جهانی شدن بود، به واسطه کاربرد دقیق و شدید «زور» و حمله آمریکا به «افغانستان»، موبد این مدعاست. براین اساس می‌توان استنتاج کرد که انسان معاصر با صورت دومی از جهانی شدن مواجه است که در آن «زور جوهره جهانی شدن» را شکل می‌دهد. از این منظر مؤلف در فصول مختلف کتاب تلاش می‌کند تا به نوعی تکوین این رویکرد اجبارآمیز را در درون پدیده جهانی شدن به نمایش گذارده، با استناد به روند حوادث تاریخی در حوزه کشورهای اسلامی - عربی آن را تأیید کرده و در نهایت از تجلی تمام عیار آن در ۱۱ سپتامبر و دوره پس از آن پرده بردارد.

ب. تکوین تاریخی برخورد خشونت‌بار

۱. تأملی در جایگاه تروریسم

مؤلف با بررسی اصول حاکم بر دوره جنگ سرد چنین نتیجه می‌گیرد که آمریکا مستعاقب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دنبال جایگزین نمودن عاملی تازه به جای خطر کمونیسم بوده

است. در این راستا - و با توجه به اندیشه تحلیلگرانی چون فوکویاما و هانتینگتون - در نهایت به آنجا می‌رسد تا از «تروریسم اسلامی» به مثابه عامل تهدیدزا برای نیل به اهداف خویش استعانت جوید. براین اساس می‌توان چنین ادعا کرد که دولت آمریکا هنوز از منطف دوران جنگ سرد تبعیت می‌کند و لذا «وجود دشمن» برای آن اصلی ضروری به شمار می‌آید.

۲. تأملی در جایگاه کشورهای اسلامی

بسط منافع دولت آمریکا در منطقه و به ویژه پیوند خوردن آن با وجود بازیگری به نام اسرائیل، منجر شد تا معادلات منطقه‌ای تحت تأثیر این ارتباط استراتژیک قرار گیرد. در نتیجه این فرآیند مشاهده می‌شود، شکل جدیدی از سلطه بر بسیاری از کشورهای اسلامی جهت تثبیت جایگاه اسرائیل تحمیل می‌شود. واقع امر آن است که نوعی «عقده حقارت» در بسیاری از مسلمانان در اثر سیاست‌های دوگانه آمریکا در قبال اعراب و اسرائیل پدید آمده بود که می‌توانست در هر دوره‌ای حادثه‌ساز باشد.

۳. واکنش‌های خفیف تاریخی

نویسنده در ادامه با اشاره به برخی از رخداد‌های خشونت‌بار که به نوعی نارضایتی مسلمانان را از روند جریان موجود بیان می‌دارد، تأکید می‌کند که: این حوادث به خوبی دلالت بر آن دارند که صاحبان قدرت باید نسبت به تحولات جهان اسلام و اصلاح سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه‌شان حساس بوده و اهتمام ورزند. با این حال شاهدیم که وقایعی چون سقوط هواپیمای مصری در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹، که در نوع خود رخدادی تکان‌دهنده به شمار می‌آید، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۴. نگرش آمریکایی

واقع امر آن است که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از سوی آمریکا در بردارنده معنای خاصی بود که نمی‌توانست برای بسیاری از بازیگران - حتی غربیان - خوشایند باشد. با تأمل در مجموع بیانات و موضع‌گیری‌های به عمل آمده، مشخص می‌شود که جهانی شدن نزد ایشان بر چند اصل مهم استوار بوده است:

اصل اول: جهانی شدن فرآیندی قطعی است و تمامی بازیگران به ناچار باید تسلیم آن شوند.

اصل دوم: هیچ‌گونه مقاومتی در مقابل جهانی شدن، معنا ندارد.

اصل سوم: جهانی شدن دلالت بر سیادت الگوی خاصی از زندگی دارد که ایشان از آن به

عنوان الگوی زندگی آمریکایی یاد می‌نمودند.

اصل چهارم: بسط نفوذ آمریکا در گستره جهانی امری قطعی و غیر قابل کنترل است. بدین ترتیب تلقی خاصی از جهانی شدن طرح می‌شود که از درون جوامع غربی و غیر آن مخالفانی پیدا می‌کند. البته اگرچه تعدیل مفهوم جهانی شدن و کم رنگ شدن صبغه «آمریکایی» آن، به نوعی موضع‌گیری کشورهای اروپایی را تعدیل می‌کند، اما طبیعی است که کشورهای مستقل ملی و از آن جمله کشورهای مسلمان نمی‌توانند به سادگی این تعبیر از جهانی شدن را گردن بنهند.

۵. تجربه درونی: حوادث شهر سیاتل آمریکا

اگرچه نشست سیاتل در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۹۹ از جمله گام‌های بزرگ در راستای جهانی شدن تجارت بود، اما به طور همزمان وقوع رخداد‌های خشونت‌باری را در این شهر شاهد هستیم که معنای دیگری را نیز می‌رساند. از آن جمله:

یک. عینی‌ترین ابعاد جهانی شدن که در قالب WTO تجلی یافته، هنوز محل چالش است. دو. بین متولیان اصلی ایده بازار جهانی - آمریکا، ژاپن و اروپا - نیز اختلاف نظر جدی وجود دارد.

سه. برخورد با مخالفان در این روز نشان داد که میان منافع دارندگان با فقرا همواره تضاد وجود دارد و صاحبان سرمایه از انجام هیچ کاری - حتی اعمال زور - برای دستیابی به منافع‌شان خودداری نمی‌کنند.

نتیجه‌بخش نخست کتاب، حکایت از آن دارد که روند جهانی شدن با توجه به سمت و سوی یکجانبه آن در نهایت زمینه اقبال به زور را نزد بازیگران اصلی در صحنه شطرنج جهانی - یعنی سود برندگان از جهانی شدن و بازیگران متضرر - فراهم خواهد ساخت. در نتیجه شاهد بروز واکنش‌های خشونت‌باری هستیم که چون جدی گرفته نمی‌شوند، در نهایت به ۱۱ سپتامبر ختم می‌شوند.

ج. مخالفت با صدای بلند

۱. فضای جدید

مؤلف فضای پس از ۱۱ سپتامبر را در سه مورد کلی مشخص می‌نماید که عبارتند از: اول. ترس فراگیر: جهان به مکان ناامنی تبدیل شده است چرا که در هر لحظه امکان بروز رخدادی تهدیدآمیز می‌رود.

دوم. اندوه فراوان: بروز حوادث دهشتباری چون خرابی برج‌های دوقلو و کشتار مظنونین به تروریسم و حامیان آنها در گوشه دیگری از جهان، هر دو در بردارنده اندوه بوده و حکایت از آن

دارد که طرفین با خشونت به آفریدن صحنه‌هایی در دربار همت گمارده‌اند. به عبارت دیگر تروریسم و ضد تروریسم ترکیبی واحد یافته‌اند.

سوم. شگفتی: قرن حاضر شاهد شگفتی‌های بسیاری نیز هست و از آن جمله می‌توان به مخفی شدن رئیس جمهور بزرگترین قدرت جهانی در پی رخدادی هولناک اشاره داشت که همگان تا پیش از این، چنین وقایعی را تخیلی و خنده‌آور تلقی می‌کردند! اما به وقوع پیوست. یا می‌توان به اعلام جنگی یکجانبه و بدون ارایه دلیل از سوی آمریکا اشاره داشت که در قرن حاضر کسی تصور آن را هم نمی‌کرد و... حوادثی از این قبیل که نشان می‌دهد جهان پس از ۱۱ سپتامبر مملو از شگفتی و حوادث تعجب‌آمیز است.

۲. ظهور «رئیس بزرگ» در گستره جهانی

زمانی جرج آرول در کتاب «۱۹۸۴» به شکلی طنزآمیز از ظهور رئیس بزرگی در اردوگاه کمونیستی سخن رانده بود که حکایت از آسیب‌پذیری شدید رویکرد اقتدارآمیز کمونیستی و برتری ذاتی لیبرال دموکراسی داشت. اما ۱۱ سپتامبر و نوع واکنش دولت جرج بوش، حکایت از آن دارد که لیبرال دموکراسی نیز تغییر ماهیت داده و خود تبدیل به «رئیس بزرگی» شده که پیش از این در نقدش بیشترین تلاشها را می‌نمود. چنین به نظر می‌رسد که باید بار دیگر به آموزه‌های آرول در کتاب ۱۹۸۴ باز گردیم و بدین ترتیب از وقوع حوادث تروریستی مشابه جلوگیری کنیم. در غیر این صورت، چنین به نظر می‌رسد که گریزی از برخوردهای شدید در جهان آینده نخواهد بود.

۳. ترس آفرینی واژگان

شاید کمتر کسی را بتوان سرخ‌گرفت که قدرت واژگان در عصر حاضر، را نادیده‌انگارد. امروزه به واسطه حضور وسایل ارتباط جمعی، واژگان جایگاه رفیعی یافته‌اند که شاید ابزارهای نظامی نیز از آن بهره‌مند نباشند. به عنوان مثال صرف به کارگیری واژه «تروریست» و اطلاق آن بر گروه یا افراد خاصی، می‌تواند تهدیدات امنیتی مشخصی را به دنبال داشته باشد که تحصیل آنها از طریق اقتصادی یا نظامی به سادگی میسر نیست. مؤلف در این قسمت به اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی و چگونگی هدایت افکار عمومی از ناحیه این ابزار اشاره دارد. به زعم وی مصادره مفهوم «تروریست» و اطلاق آن بر حوزه اسلامی، بزرگترین لطمه‌ای است که غرب پس از ۱۱ سپتامبر به جهان اسلام وارد آورد؛ لطمه‌ای که باید جبران شود و با سکوت کشورهای اسلامی اثبات نشود.

۴. آمیزه‌ای از «واقعی» و «غیر واقعی»

نویسنده در این فصل به بررسی تناقضات موجود در تصویر آرایه شده از «بن‌لادن» و گروه القاعده توسط دولتمردان و وسایل ارتباط جمعی آمریکا پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه صاحبان قدرت برای هدایت جریان امور به سمت و سوی که بتواند منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها را در منطقه خاورمیانه تحصیل نماید، از اسطوره کاذب «بن‌لادن» بهره برده‌اند. به زعم وی شواهد موجود حکایت از آن دارد که تهدیدات ناشی از سوی بن‌لادن، صدام حسین، حتی همکارهای نزدیک عربستان و مصر با عوامل تروریستی این حادثه، هیچ‌یک به آن اندازه که دولت آمریکا بیان و تصویر نموده، «بزرگ» و «تهدیدساز» نیستند و در واقع جز غیر واقعی حادثه ۱۱ سپتامبر را شکل می‌دهند که توسط استراتژیست‌های آمریکایی طراحی و عرضه شده‌اند.

۵. انگلستان ۱۹۵۶، آمریکای ۲۰۰۱

اگرچه تکرار تاریخ امری غیر ممکن است اما چنین به نظر می‌رسد که می‌توان حوادث تاریخی مشابه را ردیابی کرد. در این راستا مؤلف وضعیت انگلستان به سال ۱۹۵۶ را مشابه وضعیت آمریکای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌داند. وجه تشابه این دو رویداد را در برخورد قاطعانه دولتی کوچک و جهان سومی با قدرتی بزرگ می‌توان دانست که در هر دو مورد قدرت برتر در کمال غافلگیری ضربات شدیدی را دریافت داشت. بسته شدن کانال سوئز از این حیث برای انگلستان بسیار گران تمام شد و مؤلف براین باور است که در حکم ۱۱ سپتامبر برای انگلستان بود. براین اساس آمریکا باید این رخداد را هشدار برای روند یکجانبه‌گرایی‌های که در پیش گرفته است ارزیابی نماید و به تعدیل سیاست قدرت خود در گستره جهانی (تجربه‌ای مشابه انگلستان) همت گمارد. البته مؤلف می‌پذیرد که آمریکا سیاستی متفاوت را اتخاذ کرده و در پی فرصت‌سازی برای اثبات هژمونی خود است، سیاستی که می‌تواند شکستی بزرگتر و یا توفیقی با ارزش‌تر را نصیب این کشور سازد.

۶. نژاد پرستی

اگرچه پیروان اندیشه جهانی شدن براین باورند که جهان بواسطه توسعه شبکه ارتباطاتی بسیار کوچک شده و به دهکده‌ای شباهت پیدا کرده است، اما ۱۱ سپتامبر و حوادث بعدی آن نشان داد که این طرز تلقی به ویژه در حوزه شناخت صادق نبوده و بالعکس هنوز ساکنین این دهکده شناخت صحیحی از یکدیگر ندارند. مؤلف وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر را در «عدم شناخت واقعی» طرفین از یکدیگر دانسته و معتقد است که واکنش افراطی دولت آمریکا تحت عنوان «مبارزه با

تروریسم» و متهم نمودن مسلمانان به «تروریسم» نیز ریشه در همین نقیصه دارد. براین اساس می‌توان ادعا کرد که ۱۱ سپتامبر نشان داد که جهانی شدن در عرصه شناخت هنوز محقق نشده و نوعی نژادپرستی فکری به نفع تفکر غربی در عصر جهانی شدن، همچنان وجود دارد.

۷. تهاجم نژادپرستانه

به زعم مؤلف، تفکر نژادپرستانه تنها در حوزه نظر باقی نمانده و دارای آثار عینی نیز هست؛ آثاری که می‌توان استراتژی امنیتی آمریکا را پس از ۱۱ سپتامبر مصداق بارز آن دانست. برخورد خشن با مسلمانان در داخل و خارج آمریکا، عدم رعایت حقوق بشر در خصوص متهمان و افزون بر آن برخوردهای غیرانسانی و غیرقانونی با مجرمان که همه براساس اصول لیبرال دموکراسی ممنوع هستند، حکایت از آن دارند که تفکر نژادپرستانه ایده لیبرال دموکراسی را فاسد نموده و لذا در عمل نیز شاهد رفتارهایی هستیم که با اصول مصوب منشور سازمان ملل متحد نیز همخوانی ندارند.

۸. جنگ تمدنها

در آخرین فصل مؤلف با اشاره به سه نظریه «پایان تاریخ»، «گفت و گوی تمدنها» و «برخورد تمدنها» اظهار می‌دارد که ۱۱ سپتامبر در واقع نشان داد که نظریه «برخورد تمدنها» با تمام انتقاداتی که بر آن وارد شده، در دستورکار عمده بازیگران قرار دارد. به عبارت دیگر برخلاف گرایش نظری سیاست جهانی به نظریه مثبت گفت و گوی تمدنها، در عمل آنچه حاکم شد، برخورد تمدنهاست که با واژگانی چون «جنگ عادلانه»، «مبارزه با تروریسم» و... دنبال می‌شود.

د. آینده شناسی

آخرین فصل کتاب که در حکم نتیجه‌گیری است، به بررسی احتمالات اساسی در خصوص آینده جهان اختصاص یافته است. برای این منظور نویسنده به چند اصل عمده که می‌تواند در شکل‌گیری آینده جهان مؤثر باشد، اشاره می‌نماید که عبارتند از:

یک. اگر بپذیریم در این ادعا که «عصر ایدئولوژی» فرا رسیده و یا اینکه «تاریخ به پایان خودش رسیده است» چیزی از حقیقت وجود دارد، آنگاه باید بپذیریم که آن «حقیقت» بر نفی «یکجانبه‌گرایی» و «ضرورت همکاری» دلالت دارد.

دو. باید بپذیریم که وجود ارزش‌هایی مشترک که بتواند به سامان‌دهی نظم در عرصه سیاست بین‌الملل کمک کند، ضروری است. از این رو التزام تمامی بازیگران اعم از قوی و ضعیف به این

ارزش‌ها و نهادهای تاسیس شده برای صیانت از آنها، ضروری است. سه. پذیرش اصل تکثر و عدم تحمیل الگویی واحد تحت عنوان «جهانی شدن»، اصل بنیادین امنیت انسانی در عصر حاضر را شکل می‌دهد. لذا باید بین «جهانی شدن» و «تکثر» جمع نمود و بدین وسیله از گرایش به سوی نظریه یکدست‌سازی جهانی و اقتدار جهانی، دوری جست. چهار. تحمیل دموکراسی با کمک ابزارهای غیر دموکراتیک، امری ناپسند ارزیابی می‌گردد و غیر قابل توجیه است.

پنج. ضرورت پرهیز از «افراط‌گرایی» و گرایش به سوی «مطلق‌انگاری» به دلیل اینکه برخورد و تنش پدید می‌آورد. شش. ضرورت توجه به اصل عدالت و تلاش برای کاهش فاصله بین کشورهای پیشرو و عقب مانده تا از این طریق ایده جهانی شدن بتواند استقرار یافته و بر اساس اصل تعادل، مقبولیت عمومی یابد.

نتیجه‌گیری

کتاب «جهانی شدن زور» از آن حیث که به بررسی و تحلیل رخداد واقعه ۱۱ سپتامبر از منظری اسلامی می‌پردازد، اثری قابل توجه به شمار می‌آید. فصول این اثر اگرچه در بسیاری از موارد نیازمند شرح و بسط و رایه مستندات عقلی و تاریخی بیشتر است، اما از آن حیث که ایده‌های تازه از دیدگاه محققان مسلمان را عرضه می‌دارد، می‌تواند قابل توجه باشد. بخش دوم کتاب، به ویژه فصول مرتبط با تفسیر جهان پس از ۱۱ سپتامبر، می‌تواند مکمل دیدگاه‌های متنوعی باشد که از سوی اندیشه‌گران غربی و فارغ از اندیشه اسلامی در خصوص این حادثه رایج شده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان این اثر را گامی اولیه در راستای طرح دیدگاهی در جامعه علمی جهانی ارزیابی کرد که معمولاً کمتر به آن پرداخته می‌شود. به همین دلیل است که مطالعه آن می‌تواند برای علاقه‌مندان به بحث «۱۱ سپتامبر» مفید باشد.

اصغر افتخاری